مفهوم شناسي روش تحقيق

 1ـ تعريف «تحقيق» و «روش» براي تعريف روش تحقيق ابتدا بايد تصويري اجمالي از دو واژه «تحقيق» و «روش» به دست آوريم تا زمينه‌اي براي تحليل مفهومي «روش تحقيق» فراهم آيد. به نظر مي‌رسد با توجه به تحليل و تعريفي كه از مقوله «تحقيق» و نيز مقوله «روش» ارائه مي‌دهيم به فراخور آن، روش تحقيق نيز تعريف خاصي مي‌يابد. 1/1¬ـ مفهوم «تحقيق» درباره «تحقيق» سه نگاه وجود دارد: در نگاه اول، تحقيق، جرياني از «جهل» به «علم» است. در اين تعريف، جهل يعني عدم انكشاف از واقع، و علم يعني انكشاف از واقع.[1] طبق اين تعريف، اولاً تحقيق، متصف به صدق (انكشاف از واقع) و كذب (عدم انكشاف از واقع) مي‌شود[2] و نه حق و باطل. حق و باطل صرفاً در كاربردِ تحقيقِ انجام شده طرح مي‌شود نه در متن خود تحقيق. خود تحقيق حق و باطل ندارد. ثانياً، در اين نگاه، تحقيق مي‌تواند رشد كمي داشته باشد اما رشد كيفي نمي¬پذيرد؛ زيرا علم و جهل از مقوله‌هاي تدريجي و نسبي نيستند و صدق و كذب، نسبيت بر نمي‌دارد. پس در اين نگاه، نمي‌توان تكامل در يك تحقيق را تصور كرد؛ زيرا تحقيق، كشف از واقع است كه تغيير نمي‌كند. ثالثاً، در اين تلقي از تحقيق، اختيار و اراده انسان در مكانيزم فهم، نقشي ندارد و فقط در انتخاب موضوع علم حضور دارد.[3] در نگاه دوم: تحقيق «جرياني است براي تنظيم پديده‌ها و قرار دادن آنها در حوزه ميل و اراده انسان».[4] هم¬چنين تحقيق را «تلاشي منظم و سازمان¬يافته براي بررسي مسئله¬اي خاص که به يک راه¬حل نياز دارد» توصيف کرده¬اند.[5] بر همين اساس است که امروزه تحقيق، به منزله استخوان¬بندي برنامه¬هاي توسعه جوامع بشري به شمار مي¬رود.[6] اين نگاه به «تحقيق» برخلاف نگاه نخست، تلقي ابزارانگارانه به علم و تحقيق دارد نه نگاهي حقيقت‌نما.[7] هم¬چنين اين نگاه مي‌تواند رشد كيفي در تحقيق را بپذيرد و آن را مدام در حال اصلاح و تكميل ببيند. البته بايد توجه كرد كه اين نگاه به تحقيق با اصالت دادن به قوانين مادي و محوريت دادن به اراده انسان در تسخير طبيعت، به مقوله «حقانيت و بطلان» پشت كرده است. به همين دليل است كه اين نگاه به توليد اطلاعات كاربردي به محور انسان¬محوري و دنياپرستي منتهي مي‌شود و نمي‌تواند تحقيقات را در جهت اراده خالق جهان و ربوبيت و شريعت او راهبري كند.[8] اما نگاه سوم، تحقيق را وسيله عبور از اعتقاد تا عمل از طريق توليد اطلاعات متناسب مي¬داند. در اين نگاه، تحقيق موجب توليد مفاهيمي مي‌شود كه اعتقادات و ارزش‌ها را به صحنه عمل مي‌كشاند و عينيت را مبتني بر اعتقادات شكل مي‌دهد. از اين رو، اولاً، تحقيق، مفهومي جهت‌دار است كه از «جهتِ» حاكم بر اعتقاداتِ انسان، تأثير مي‌پذيرد. ثانياً، تحقيق، مقوله‌اي نسبي است كه قابليت درجه‌بندي دارد. ثالثاً، تحقيق، مقوله‌اي ناظر به عمل و كاربرد است و به تنظيم پديده‌ها مي‌پردازد اما با اين ويژگي كه آنها را در جهت الهي يا مادي ـ كه اين امر در بخش «اعتقاد» مشخص مي‌شود ـ سامان بخشيده و توسعه مي‌دهد.[9] 2/1¬ـ مفهوم «روش» مفهوم ديگري كه پيش از تعريف «روش تحقيق» بايد توضيح داده شود مفهوم «روش» است. از يك نگاه، روش يعني «مجموعه مرحله به مرحله انجامِ يك فعاليت، كه سبب ايجاد اثري مي‌شود. روش يك خط¬مشيء معقول و منظم براي رسيدن به يك هدف معين است».[10] در يك تعبير ديگر، «روش را مجموعه شيوه‌ها و تدابيري دانسته‌اند كه براي شناخت حقيقت و بركناري از لغزش به كار برده مي‌شود». از اين ديدگاه روش، داراي ويژگي‌هاي خاصي چون «انتظام» ، «عقلاني بودن» ، «برخورداري از روح علمي» و «واقعيت‌گرايي» است. [11] لذا روش، نه تنها کم¬اهميت¬تر از محتواي تحقيق نيست بلکه در آن تأثير مستقيم مي-گذارد.[12] با توجه به آن¬چه گفته شد از يک منظر، روش تحقيق، روش تفکري است که انطباق با واقعيت را حاصل کند.[13] از منظر ديگر، «روش تحقيق مجموعه¬اي از قواعد، ابزار و راه¬هاي معتبر (قابل اطمينان) و نظام¬يافته براي بررسي واقعيت¬ها، کشف مجهولات و دستيابي به راه¬حل مشکلات است».[14] روش، منطق چگونگي توليد، دسته‌بندي و رده‌بندي اطلاعات است، به نحوي كه اگر اطلاعاتي تحويل آن داده شود استنتاجي نوين را به دست خواهد داد. به گمان ما، روش، ابزار هم¬آهنگ‌سازي و توليد اطلاعات در جهت خاصي است. كار روش را مي‌توان «ايجاد نسبت» نيز گفت.[15] علامه حسيني (ره) مي¬گويد: گاهي «روش» جهت دست¬يابي به يک قانون يا معادله يا ابزاري براي بهروري از طبيعت به کار برده مي¬شود و گاهي نيز در معنايي عام¬تر، کار اصلي روش ـ يا همان منطق و متد ـ هم¬آهنگ¬سازي است. پس اگر دامنه و گستره تنوع اين هم¬آهنگ¬سازي به¬گونه¬اي باشد که بتواند کليه رفتارهاي جامعه ـ اعم از توصيف¬هاي نظري محض تا توصيف¬هاي کاربردي محض ـ را در همه سطوح برعهده گيرد، آن¬گاه مي¬توان توقع داشت که محصول آن «بهنجاري» جامعه در تمام سطوح ارتباط باشد. به بيان ديگر، اگر موضوع روش، ايجاد ابزار هم¬آهنگ¬سازي باشد، محصول يا هدف آن، بهنجاري اجتماعي در جريان توسعه مي¬باشد».[16] حال با توجه به تعريف دو واژه «تحقيق» و «روش» به اشاره مي‌توان روش تحقيق مورد نظر خود را «ابزار توليد و هم-آهنگ‌سازي خاص اطلاعات در فاصله اعتقاد تا عمل» ناميد، اما براي اين¬كه تعريف روش تحقيق به صورت دقيق¬تري مطرح شود در بحث اصلي خود آن را از زواياي مختلف مورد بررسي قرار مي‌دهيم

. 2ـ مفهوم روش تحقيق روش تحقيق مقوله‌اي چندبعدي است كه آن را از زواياي مختلفي مي‌توان توضيح داد؛ به گونه‌اي كه نه تنها اين توضيحات گوناگون با هم¬ديگر ناسازگار نباشند بلكه هم‌افزايي داشته و اطلاعات كامل‌تري در اختيار قرار دهند. 1/2ـ روش تحقيق به معناي ابزار شناخت به نظر مي‌رسد اولين و عام‌ترين معنا و مفهوم «روش تحقيق» چيزي جز «ابزار شناخت» بودن نيست. [17] استاد حسيني (ره) منزلت روش تحقيق را منزلت تعيينِ شناخت مي¬داند و معتقد است که حاصل روش تحقيق، شناخت امور مي¬باشد.[18] البته براي توضيح اين معنا بايد به معناي واژه «تحقيق» رجوع كرد. تحقيق به معناي شناخت نظري صرف نيست بلكه شناخت تغيير و تحولات شيء نيز هست. [19] اساساً بنابر پيش‌فرض‌هاي فلسفي دفتر فرهنگستان که شناخت را در چارچوب تناسبات «ولايت، تولي، تصرف» تفسير مي¬کند، هر موضوعي همواره در حال تغيير و شدن است و روش تحقيق اگر بخواهد يك موضوع را بشناسد بايد همه مراحل پيدايش، تغييرات و تكامل آن موضوع را بشناسد و تحليل كند. لازمه بحث فوق آن است كه تحقيق نسبت به يك موضوع به موازات حركت تكاملي آن موضوع، افزايش مي‌يابد و در فهم و آگاهي انسان، توسعه به وجود مي‌آيد.[20] با توجه به معناي خاص شناخت مي‌توان دريافت كه روش تحقيق، ابزاري براي شناخت و تشخيص و تعريفِ موضوعات است. روش تحقيق، منطق اطلاع است كه براساس اصول و روش تعريف فلسفي حاكم، سنجش نموده و نسبت خاصي بين آنها برقرار مي‌نمايد.[21] به عبارت ديگر، روش تحقيق، نوعي روش علمي و نظام‌مند است كه به وسيله «شاخصه‌هايي» مي‌تواند وضعيت موجود، وضعيت مطلوب و كيفيت انتقال يك موضوع از موجود به مطلوب را بررسي و تحليل نمايد و زمينه تصرف درآن موضوع را فراهم آورد. [22] نگاه فوق به روش تحقيق در ادبيات رايج علمي نيز قابل رديابي است. در تلقي رايج، يك تحقيق علمي به توسعه قلمرو معرفت منتهي شود و ماهيت شيء يا پديده‌اي را كشف كند تا بتواند آن را در بهبود زندگي خويش به كار بگيرد.[23] به عبارت ديگر، دست¬يابي به تصوير واقعي از يک موضوع، و يافتن حقيقتِ مطلب درباره آن شيء، تحقيق ناميده مي¬شود؛[24] مثلاً تحقيق از نظر دانشمندان علوم اجتماعي عبارت است از فرايندي که پژوهش¬گر بدان وسيله، پيچيدگي¬هاي روابط متقابل بين افراد را بهتر درک مي¬کند.[25] يا مثلاً گفته مي¬شود: «تحقيق تاريخي»، شناخت وقايع و مسائل گذشته را دنبال مي¬کند.[26] البته بايد دقت کرد که نگاه به تحقيق به عنوان وسيله شناخت در ادبيات رايج الزاماً به به معناي نظري و غيرکاربردي بودن بحث نيست. در واقع هر برداشتي كه از مفهوم «تحقيق» و «روش تحقيق» وجود داشته باشد مي‌توان گفت كه شناخت عميق يك موضوع يا پديده، اولين وظيفه روش تحقيق خواهد بود كه اين شناخت، يا به افزايش دايره معلومات ما منتهي مي‌شود و يا اين‌كه قدرت ما در بهره‌برداري از موضوعات يا پديده‌ها بالا مي‌برد. 2/2ـ روش تحقيق به منزله منطق نظريه¬پردازي و توليد معادله روش تحقيق را از زاويه ديگر مي‌توان عهده‌دار توليد تئوري (نظريه) در مورد موضوعات و پديده‌هاي مختلف هستي دانست که اين امر در يک بستر اجتماعي رخ مي¬دهد. روش تحقيق، ابزار توليد معادله است و همين معادله‌سازي را مي‌توان روش تحقيق ناميد.[27] روش تحقيق، بر «کيف، کم و کارآمدي» هر روندي و برنامه¬اي حاکم است که البته بايد در کنار اين ساختار نظري ـ که روش تحقيق است ـ يک ساختار عيني نيز بايد وجود داشته باشد که کار روش تحقيق را در عينيت به سرانجام برساند. در نگاه مورد نظر استاد حسيني (ره)، روش تحقيق بايد تدريجاً قوانين توليد را تغيير دهد تا بتوانيم براي ايجاد تحولات بزرگ بسترسازي كنيم. روش تحقيق مي‌تواند تحولات موضوع علم را تحويل دهد و علوم كاربردي را ارائه نمايد. جوهره روش تحقيق به همين است كه با طراحي نظريه و تئوري بتواند نسبت به يك موضوع، مدل‌سازي كند و متغيرهاي كيفي و كمي آن و آسيب‌شناسي و پيش‌بيني تغييرات آن را به دست دهد. اگر چنين امري را معادله بناميم مي‌توانيم بگوييم روش تحقيق در نگاه مختار ما ابزاري براي توليد معادله است؛ يعني تئوري يا نظريه‌اي ارائه مي‌دهد كه بتوان با آن تئوري، يك موضوع را آسيب‌شناسي كرده و تغيير داد و متكامل نمود. نظريه¬پردازان روش تحقيق هم کم و بيش با چنين نگاهي، به روش تحقيق پرداخته¬اند؛ مثلاً در روش¬هاي تحقيق در علوم اجتماعي معتقدند که تحقيق علمي در سه مرحله انجام مي¬گيرد: 1ـ مشاهده واقعيت¬ها؛ 2ـ فرمول¬بندي فرضيه¬ها؛ 3ـ بازبيني اين فرضيه¬ها براي تبديل¬کردنشان به قانون.[28] در واقع، هدف نهايي هر تحقيق علمي، تدوين قانون به منزله رابطه¬هاي هميشگي ميان پديده¬هاست. اين قانون¬ها، در عين حال، هم خصيصه توضيح¬دهنده دارند و هم خصيصه پيش¬بيني¬کننده.[29] با اين وصف مي¬توان گفت که روش¬هاي تحقيق رايج هم به دنبال تئوري¬سازي و معادله¬سازي براي شي¬ء هستند و حتي در اين راه از رياضيات هم بهره مي¬گيرند.[30] لکن بايد دقت کرد که معادله¬سازي مبتني بر مفهوم قانون در نگاه رايج، با نگاه استاد حسيني (ره) تفاوت دارد و آن اين¬که صرف نظر از انسجام و گستردگي روش تحقيق ايشان، کنترل تغييرات شيء در روش تحقيق استاد حسيني (ره)، به قصد هدايت اين تغييرات در جهت حق انجام مي¬پذيرد و اين امري است که در نگاه رايج وجود ندارد. البته در ادبياتِ برخي از منابع علمي كشور ما روش تحقيق به معناي معادله‌سازي نسبت به شيء نيست؛ بلكه دنبال تبديل مجهولات به معلومات هستند اما با توجه به نگاه¬هاي موجود در روش تحقيق، مي‌توان اذعان کرد كه در نگاه غربي به جهت حاکميت نگاه¬هاي ابزارگرايانه به علم و تحقيق، روش تحقيق نيز در خدمت تغيير دادن موضوعات و پديده‌ها در جهت تمايلات انسان¬ها قرار گرفته است. 3/2ـ روش تحقيق هم¬چون ابزار قاعده‌مندي پژوهش گفته شد كه روش تحقيق ابزار شناخت و نيز ابزاري براي توليد معادله است. از منظر ديگر نيز مي‌توانيم بگوييم: روش تحقيق، ابزار قاعده‌مندي تحقيقات و پژوهش‌هاست. ما اگر تحقيق و پژوهش را به دو قسمت «تحقيق عاميانه» و «تحقيق علمي» تقسيم كنيم، «روش تحقيقِ» اصطلاحي ما، در تحقيق علمي مطرح مي‌شود نه در تحقيق عاميانه و عرفي. تحقيق عرفي هرچند به طور مطلق نمي‌تواند فارغ از روش خاصي باشد اما محتاج دقت‌هاي عميق در اتخاذ «روش تحقيق» نيست. روش تحقيق وقتي لازم است كه در پي ارائه تحقيقي منسجم، علمي، عقلي و قابل تفاهم هستيم.[31] اساساً روش‌مندي تحقيق، به منزله ملاحظه انسجامِ تحقيقِ مورد نظر، و دقت در علمي و عقلي بودن آن است. روش تحقيق، يك منطق است كه در همه عرصه‌ها پژوهش غيرقاعده‌مند را از پژوهش قاعده‌مند تفكيك مي‌كند و بر علمي بودن و روش‌مندي آن صحه مي‌گذارد. اين حضور و اين اندازه‌گيري كه روش تحقيق بايد انجام بدهد به معناي تلاش در قاعده‌مند و ضابطه‌مند ساختن پژوهش است تا همان‌گونه كه گفته شد: يك تحقيق علمي به دست بيايد نه تحقيق عرفي. وسيله قاعده‌مندي پژوهش، «روش پژوهش» است كه در پژوهش‌ها و تحقيقات جاري مي‌شود. اين روش، خود مبتني بر فلسفه شدن توليد شده [32] و لذا مي‌تواند ابزار هم-آهنگ‌سازي تحقيقات باشد. [33]بنابراين، عدم روش تحقيق، به منزله فقدان خود «تحقيق» نيست، بلكه به معناي ناكامي از دست‌يابي به تحقيق علمي و قاعده‌مند، و گرفتار آمدن در تشتت و حيراني تحقيقاتي است.[34] به زبان ديگر، خودِ پژوهش، به مثابه حيات نظري و ذهني است اما روش پژوهش، مناسك اين حيات نظري و ذهني است.[35] نكته مهم اين است كه بدون روش تحقيق، دچار بن¬بست و مشكلاتي در پژوهش¬هاي علمي مي‌شويم؛[36] دليل ادعا آن است كه هرچند روش تحقيق، خود مقوله‌اي از سنخ علم و تحقيق و پژوهش است اما در عين حال مي‌تواند همه موضوعات فكري و عيني را در بر بگيرد.[37] در واقع، همه موضوعات اجتماعي، نيازمند تحقيق و روش تحقيق هستند تا به شكل قاعده‌مند و منسجم و به دور از جهت‌گيري ناصحيح مديريت شوند، لذا اگر روش تحقيق نداشته باشيم دچار شكست خواهيم شد و تحقيقات ما به گسستگي مي‌انجامد.حال اگر بخواهيم مفهوم قاعده‌مند و ضابطه‌مندي در پژوهش را دقيق‌تر توضيح دهيم مي‌توان گفت: در روش تحقيق، نسبت به هر موضوعي، عمل «پيش‌بيني، هدايت و كنترل» صورت مي‌گيرد. به عبارت ديگر، روش تحقيق به دنبال آن است كه تحقيقاتِ قاعده‌مند را شكل دهد كه آن تحقيقات با خصلت كاربردي‌شان بتوانند با موضوع تحقيق، همراه و هم¬گام شوند و پيش‌گويي تغييرات شيء، و هدايت و مديريت آن در فرآيند تغييرات به عهده بگيرند. با اين وصف، انتظار ما از روش تحقيق، ارائه قدرتِ پيش‌گويي، هدايت و كنترل موضوعات است. [38] به نظر مي¬رسد نظريه¬پردازان عمومي روش تحقيق در کتب خود، به دنبال ارائه مراحل و فرايند دقيق روش تحقيق هستند؛ لذا روش تحقيق را ابزاري براي قاعده¬مند نمودن تحقيقات مي¬دانند و مي¬خواهند با اين وسيله، تحقيقي علمي و قاعده¬مند ارائه دهند.4/2ـ روش تحقيق به عنوان معيار صحت پژوهش از سوي ديگر بر اين مهم نيز بايد تأكيد كرد كه روش تحقيق، ابزاري است كه صحت و غلط را در امر تحقيق نشان مي‌دهد و چگونگي هدايت تحقيقات به سوي بهينه شدن در مسير حقانيت را تضمين مي‌كند. از نگاه استاد حسيني (ره) روش تحقيق بايد بتواند مشروط شدن حركت و تغيير در ماده را به اعتقادات الهي بيان كند و تبديل شدن و چگونگي را در تكامل، بر اين بنيان بنا نمايد.[39] به عبارت ديگر، روش تحقيق اسلامي يعني مدل کنترل تغيير که بتواند پيش¬فرض¬هاي اسلامي را بپذيرد و شيب رياضي آن را هم بدهد.[40] بنابراين روش تحقيق، روش احراز صحت در امري است كه به آن «شدن» مي‌گوييم؛ لذا صرفاً با ملاحظه مفاهيم نظري كار نمي‌كنيم. به طور مثال، اگر موضوع تحقيق ما يك سيب است كه از شكوفه كردن آن تا مرحله رسيدن شده آن سه ماه طور مي‌كشد بايد بدانيم كه اين تحقيق به جهت اين¬كه تحولات و شدن اين موضوع خارجي سر و كار دارد طبيعتاً به همين اندازه يعني سه ماه طول خواهد كشيد.[41] بر اين اساس روش تحقق مي‌خواهد كاري كند كه «شدن»، بر پايه درستي انجام بگيرد. در نگاهي ديگر، روش تحقيق در امر احراز صحت به دنبال دقيق‌تر نمودن فعل پژوهش‌گر است. در اين بيان، مقدار زمان و مقدوراتي كه محقق براي كار در هر مرحله از تحقيق انجام مي‌دهد مورد بررسي قرار مي‌گيرد. در واقع، ما اگر به دنبال انجام كار پژوهشي هستيم روش تحقيق حضور يافته، و چگونگي انجام صحيح تحقيق مراحل صحيح فعل پژوهش¬گر را بيان مي‌كند. [42] صحت تحقيقات، به هم¬آهنگي کار محقق با شيء متغير بر مي¬گردد. اگر كارهاي محقق، متناسب با شناسايي موضوع تحقيق (مثل آن سيب) نباشد به اين معناست كه كار تحقيقي او غلط مي‌باشد؛ كار تحقيقي محقق، تغييرات موضوع را کنترل مي¬کند و لذا در صورتي مي‌تواند صحيح باشد كه با تغييرات موضوع تحقيق، هم¬آهنگ باشد.[43] در نهايت مي‌توان گفت كه احراز صحت در پژوهش به دو گونه است: الف ـ احراز صحت در اصل تحقيق؛ ب ـ احراز صحت در فعل محقق.